

نوع مقاله: ترویجی

سازوکار تأمین امنیت روانی خانواده با نگاه به منابع فقهی و روان‌شناسی

Hamedanee@gmail.com

M.hasani.5506@gmail.com

محمدعلی همدانی / دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی و دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم

محمود حسینی / کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه معارف اسلامی و دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

چکیده

واژه امنیت، مصدر جعلی از ماده امن است. کلمه امن در لغت به معنای اطمینان خاطر، احساس آرامش و نبود هراس و نگرانی است. براساس این تعریف، واژه‌های امن و امنیت، هر دو دربردارنده ابعاد ایجابی و سلبی است؛ یعنی از یک سو، بیانگر اطمینان و آرامش روانی، و از سوی دیگر، بیانگر نبود ترس و نگرانی هستند. امنیت روانی عبارت است از: احساس نسبی رهایی از خطر، رهاورد این احساس، حالتی خوشایند است که آرامش جسمی و روانی را به دنبال دارد. پژوهش حاضر کوشیده تا با بهره‌گیری از دانش فقه و روان‌شناسی، مؤلفه‌های امنیت‌سوز در عرصه امنیت روانی خانواده را بررسی و با طرح راهکارهای امنیت‌ساز براساس این دو دانش، سازوکار تأمین امنیت روانی را پیش‌روی مخاطب خود قرار دهد. مقاله با روش تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از دیدگاه امنیتی شهید اول که آن را تحت عنوان «مصالح خمس» در فقه بیان کرده، موضوعات محوری در حوزه امنیت روانی را مورد واکاوی قرار داده، و از سوی دیگر، با استفاده از دانش روان‌شناسی نقاط مشترک و حتی متضاد این دو دانش در عرصه امنیت روانی را مورد بررسی قرار داده است. اما با توجه به ظرفیت محدود مقاله، تلاش شده تا محوری‌ترین عوامل امنیت‌سوز و امنیت‌ساز مورد توجه قرار گیرد. بنابراین پرداختن به سایر مؤلفه‌های امنیت روانی از حوصله این پژوهش خارج است.

کلیدواژه‌ها: امنیت روانی، امنیت خانواده، فقه، امنیت، فقه سیاسی، حفظ عقل، روان‌شناسی.

مقدمه

در قرآن کریم، کلمه امن و مشتقات آن، حدود ۹۰۰ بار به کار رفته است. کلمات مشابه امن، مانند سکینه، سلام و اطمینان در این کتاب آسمانی استفاده شده، که این مسئله گویای ضرورت امنیت از منظر فیزیکی و روانی آن در فرهنگ قرآن کریم است. امنیت روانی عبارت است از: احساس آزادی نسبی از خطر، رهاورد این احساس، حالتی خوشایند است که آرامش جسمی و روانی را به دنبال دارد (شاملو، ۱۳۷۸، ص ۹۱).

افراد به دلیل ترس از محرک‌های واقعی، احتمالی یا خیالی، به شدت به احساس امنیت، میل دارند. فریود از نخستین کسانی بود که ترس از محرک واقعی را از ترس نوروتیک متمایز کرد. البته مرز بین این دو نوع ترس، همان‌طور که فریود بیان کرده، چندان روشن نیست و گاهی آنها با هم درمی‌آمیزند (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۳۲۸).

یکی از مسائل بسیار مهم و اثرگذار در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی، اجتماعی، تعامل‌ها و روابط سیاسی، اقتصادی، شغلی، قضایی، امنیت نقش زیربنایی و مهم آن در همه عرصه‌هاست. این مسئله بسیار حائز اهمیت است که در قاموس اندیشه سیاسی و اجتماعی اسلام، کمتر واژه‌ای را می‌توان یافت که هم‌سنگ و هم‌ردیف با واژه «امنیت» قرار گیرد (صمدی ازگانی، ۱۳۸۷، ص ۷۷).

امنیت در قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین نعمت‌های الهی است. این نعمت در آیات الهی، چنان اهمیت و جایگاهی والا و شایسته دارد که خداوند متعال به سبب بخشیدن این نعمت به انسان، بر سر او منت گذاشته و فرموده است: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ، الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۳ و ۴)؛ شایسته است خدایی را فرمان برید که پروردگار این خانه (کعبه) است؛ خدایی که به مردمان، نعمت روزی و امنیت عطا کرده است.

در دین اسلام، همان‌طور که برخی از مکان‌ها با صفت امن توصیف شده‌اند. مانند درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند متعال: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ أَمِنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره: ۱۲۶)؛ و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و اهلس را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده‌اند از انواع روزی‌ها بهره‌مند ساز. درباره اهمیت و ضرورت نقش امنیت در زندگی انسان، همین بس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فلسفه رسالتش را تأمین امنیت دانسته است. روزی عمروبن عبسۀ سلمی چند سؤال از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پرسید: از جمله آنکه «خداوند برای چه تو را فرستاده است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب وی فرمود: فلسفه رسالت من در ایجاد صلۀ رحم و جلوگیری از خون‌ریزی و امنیت راه‌ها و بت‌شکنی و یکتاپرستی است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۰۴). در این روایت و روایات دیگر در این زمینه، به نعمت امنیت، به دلیل نقش بنیادین و حیاتی‌اش، اشاره شده است؛ چون بستر ساز کسب دیگر نعمت‌هاست.

از میان اقسام امنیت، امنیت روانی، اهمیتی ویژه و جایگاهی محوری دارد؛ هریس (۱۳۹۴) طی پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که یکی از عوامل اساسی و مرتبط با جو عاطفی خانواده، ایجاد امنیت روانی است. اگر زمینه امنیت روانی در خانواده ایجاد شود، والدین فرزندان با شخصیت، سازگار، با عاطفه، اجتماعی، با اعتماد به نفس، مسؤلیت‌پذیر و منطقی خواهند داشت. جاودان (۱۳۹۴) طی پژوهشی به بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی، امنیت روان و جو عاطفی خانواده در شخصیت فکری معطف، پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که جهت‌گیری مذهبی، سلامت روان و جو عاطفی خانواده می‌تواند به‌طور مثبت و معناداری نوع شخصیت فکری دانش‌آموزان دوره متوسطه را پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر، متغیرهای جهت‌گیری مذهبی، جو عاطفی خانواده و سلامت روان می‌توانند ۱۶ درصد شخصیت فکری معطف نوجوانان را تبیین کنند. از طرفی، نتایج این پژوهش نشان داد که جهت‌گیری مذهبی رابطه معناداری با سلامت روان و جو عاطفی خانواده دانش‌آموزان دارد. فردی که از امنیت روانی بهره‌ای ندارد، چنان خود و زندگی خویش را می‌بازد که با وجود بهره‌مندی از سایر نعمت‌های الهی، به دلیل احساس نومییدی نمی‌تواند از آنها استفاده‌ای مفید داشته باشد. در مقابل، افراد دارای احساس امنیت روانی، خود را سرشار از انرژی حیاتی می‌دانند؛ به زندگی و آینده از دریچه‌ای مثبت می‌نگرند؛ و با شادی و نشاط، هدف‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتشان را پی می‌گیرند (صمدی ازگانی، ۱۳۸۷، ص ۷۹).

امنیت روانی به این دلیل حائز اهمیت است که صرف نبود تهدیدها و کاستن عوامل ناامنی، گرچه بستر ساز تأمین امنیت است، کافی نیست. امنیت عینی زمانی اثربخش است که وجود آن احساس شود و افراد از نظر روانی هم احساس امنیت کنند. بنابراین امنیت، آمیزه‌ای از وضعیت و عوامل عینی و احساس روانی است و تهدید

۱. امنیت روانی در فقه

آموزه‌های اسلامی از دیرباز در یک تقسیم کلاسیک، به سه بخش عمده اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی و عملی طبقه‌بندی شده است. به طور مثال، کتاب *اصول کافی* مرحوم کلینی حدود هزار سال قبل بر مبنای این ساختار سه‌گانه به تدوین روایات و احادیث پس از غیبت کبری پرداخته است. امام خمینی^۱ نیز با سندیت قرار دادن یکی از روایات در کتاب *چهل حدیث* علوم را در سه بخش کلی، آیه محکمه (علم عقاید) فرضیه عادلانه (علم فقه) و سنه قائمه (علم اخلاق) می‌داند و سپس متکفل هریک از این دانش‌ها را نیز برمی‌شمارد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۲). امام خمینی^۲ در گفتار و نوشتارهای دیگر خود نیز این الگوی سه‌گانه را کانون توجه خود قرار می‌دهند (برزگر، ۱۳۸۹، ص ۴۶).

از سوی دیگر در سنت اسلامی از دانش سیاسی به «علم مدنی» تعبیر می‌شد. *فارابی در احصاء العلوم*، علم مدنی را به دو بخش فلسفه مدنی و فقه مدنی تقسیم می‌کند. فقه سیاسی مواجهه دوسویه زندگی سیاسی و نصوص اسلامی از طریق زبان و دستگاه فقه است. فقه امنیت در ادامه چنین دیدگاهی قابل فهم است (لک‌زایی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۹). فقها کتاب‌های خود را براساس موضوعات خاصی، مانند طهارت، نماز، روزه و حج باب‌بندی کرده‌اند. برخی از فقیهان این ابواب را به چند گروه تقسیم کرده‌اند. ظاهراً اولین فقیهی که چنین تقسیمی ارائه داده و براساس آن ابواب فقه مربوط به هر گروه را در جای خود بحث کرده، محقق حلی است. این فقیه در سده هفتم هجری تمامی ابواب فقه را در چهار گروه عبادات، احکام، عقود و ایقاعات گنجانده است (شریعتی، ۱۳۸۰، ص ۴۱). بیشتر فقیهان بعد از او نیز این تقسیم را پذیرفته‌اند؛ هر چند شکل ابتدایی این تقسیم در آثار فقه‌های قبل از وی از جمله *سالار دلبلی* دیده می‌شود (دلبلی، ۱۹۹۴، ص ۱۴۵ و ۲۸).

شهید اول، نظام‌های سیاسی را از جمله «وسایلی» تلقی می‌کند که مصالحی «تبعی» دارند و «احکام» آنها تابعی از حفظ مصالح خمس است؛ یعنی احکامی فقهی برای تأمین این مصالح آمد است. ایشان مقاصد یا ضروریات خمس را چنین برشمرده است: حفظ نفس، حفظ مال، حفظ دین، حفظ نسب و حفظ عقل (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸).

هریک از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، شغلی، فرهنگی و... به‌مثابه کاهش امنیت در آن جنبه‌هاست. هریک از جنبه‌های زندگی دستخوش ناامنی و تهدید شود، دل و روح افراد نیز تهدید و ناامنی می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶، ص ۱۳). در این پژوهش، سازکار تأمین امنیت روانی خانواده با نگاه به منابع فقهی و روان‌شناسی بیان می‌شود. پیرامون پیشینه تحقیق نیز باید گفت که موضوع «امنیت روانی در خانواده» در کتب و مقالات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است، اما پیرامون منابعی که از بعد روان‌شناسی به این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان به کتاب *جوان و آرامش روان* (حسینی‌زاده، ۱۳۸۲) اشاره کرد در آن موضوع، آرامش روانی با رویکرد روان‌شناسی و اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. کتاب *بهبود امنیت روانی* (شاملو، ۱۳۷۸) که به شکل خاص مباحث روان‌شناسی را محور پژوهش خود قرار داده است. در عرصه فقهی نیز مقاله «مطالعات فقهی امنیت» (لک‌زایی، ۱۳۹۳)، یکی از بهترین تلاش‌ها در عرصه فقه امنیت است. این پژوهش در تقسیم چارچوب نظری نیز مورد استفاده قرار گرفته و موضوع «امنیت خانواده» از دیدگاه شهید اول، به نقل از این مقاله، مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان *نقش آموزه‌های دینی در تدوین استراتژی امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران* (همدانی، ۱۳۹۳)، یکی دیگر از مواردی است که به شکل خاص موضوع «امنیت روانی» و «امنیت خانواده» را مورد توجه قرار داده است.

در جمع‌بندی این تلاش‌ها باید گفت که در برخی از این پژوهش‌ها تنها به بعد روان‌شناسی امنیت روانی خانواده توجه شده و در مواردی که از بعد اسلامی بررسی شده، به شکل خاص جایگاه فقه مورد توجه قرار نگرفته است. پیرامون تلاش‌های فقهی در بعد امنیت روانی خانواده نیز باید گفت که با توجه به نوظهور بودن بحث «فقه امنیت»، ابعاد روانی و به شکل خاص امنیت روانی در خانواده کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و اگر تلاش‌هایی صورت گرفته، به مباحث فقهی محدود شده است. نوآوری پژوهش حاضر این است که با استفاده از دستاوردهای گذشته و با استفاده از دانش روان‌شناسی و فقه به شکل توأمان، توسط دو پژوهشگر متخصص در «دانش امنیت» و «روان‌شناسی» که هر دو دانش آموخته حوزوی نیز هستند، نقاط مشترک و حتی متضاد «روان‌شناسی» و «فقه سیاسی» در عرصه «امنیت روانی خانواده» مورد بررسی و نتایج آن پیش‌روی مخاطب قرار گرفته است.

«حفظ نفس»	«امنیت جانی»
«حفظ مال»	«امنیت اقتصادی»
«حفظ دین»	«امنیت اعتقادی»
«حفظ نسب»	«امنیت خانوادگی»
«حفظ عقل»	«امنیت روانی»

در تعبیر فقهی واژه «حفظ» معنایی تقریباً معادل یا نزدیک واژه «امنیت» استفاده می‌شود. دوم اینکه به دلیل متغیر بودن مسائل مربوط به زندگی سیاسی و از جمله مسائل امنیتی، بخشی از اختیارات در این حوزه در احکام حکومتی قرار می‌گیرد. براین اساس می‌توان گفت مشهورترین واژه‌ای که در سنت مطالعات فقهی برای تعریف «امنیت» به کار رفته است، واژه «حفظ» است (لکزایی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۰).

بنابراین سیر تحول مفهوم امنیت در فقه و بررسی نوع نگاه فقها به موضوع امنیت، ذیل عناوینی همچون حفظ نفس، حفظ مال، حفظ دین، حفظ نسب و حفظ عقل، به عنوان مقومات جامعه اسلامی جست‌وجو می‌شود. هریک از مصالح خمس در فقه امنیت، نقش محوری دارد. آنچه در قلمرو پژوهش حاضر می‌گنجد، موضوع حفظ عقل و یا امنیت روانی از منظر فقه است.

۲. امنیت روانی در روان‌شناسی

در اصطلاح روان‌شناسی، امنیت روانی عبارت است از: احساس نسبی رهایی از خطر، رهاورد این احساس، حالتی خوشایند است که آرامش جسمی و روانی را به دنبال دارد (شاملو، ۱۳۷۸، ص ۹۱). اما پیرامون نظریه‌های روان‌شناسان درباره شکل‌گیری امنیت روانی باید گفت که یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان که در بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، علوم سیاسی و مدیریت مطرح شده، «امنیت» است. نظریه‌پردازانی همچون فروم، آلپورت، هورنای، مازلو، لینگ، مورز، لوه، لوچیانی، تراگر، سیمونی و لفرز، بوزان و ماندل در پژوهش‌های خود، به این موضوع پرداخته‌اند (نبوی، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

از دیدگاه/ریکسون نخستین مرحله رشد روانی - اجتماعی کودک (از تولد تا یک سالگی) امنیت‌خاطر و اعتماد در برابر احساس ناامنی و بی‌اعتمادی است. کودک در این مرحله، به شدت به محیطی امن نیاز دارد تا احساس اعتماد و امنیت روانی در او به خوبی شکل بگیرد. در نتیجه احساس ایمنی، یکی از مهم‌ترین مرحله‌های رشد روانی و اجتماعی کودک به شمار می‌رود (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۳۲۸).

اریک فروم، آزادی را نقص‌کننده نیاز انسان به کسب امنیت و هویت‌یابی دانسته و گفته است: انسان‌هایی که در قرن بیستم زندگی می‌کنند، به دلیل برخورداری از آزادی بیشتر، بیش از هر زمان دیگر احساس تنهایی و بیگانگی می‌کنند. برای کسب امنیت روانی به مذهب‌سازی رو می‌آورند و از این راه احساس ایمنی می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳). آدلر اساسی‌ترین انگیزه را در وجود انسان، نیاز به ایمنی دانسته و تنها راه رسیدن به احساس ایمنی را برتری‌طلبی معرفی کرده و گفته است: فرد باید احساس کند با خطر فاصله زیادی دارد و احتمال وقوع آن، خیلی اندک است. به نظر او تلاش برای کسب مقام و برتری‌طلبی به منظور تأمین نیاز به امنیت صورت می‌گیرد (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶).

مازلو امنیت را یکی از نیازهای اساسی بشر دانسته است. به‌طور کلی، نیاز به امنیت در بیشتر نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسان مطرح شده است. مازلو نیازهای اساسی و غریزی انسان را به صورت سلسله‌مراتبی و طبقه‌هایی هرمی شکل ترسیم کرده که از نیازهای اساسی زیستن آغاز می‌شوند و به انگیزه‌های روانی پیچیده‌تر پایان می‌یابند. به عقیده او، نیازهای هر طبقه باید دست کم تا حدودی برآورده شوند که نیازهای طبقه بعدی جلوه‌گر شوند (همان، ص ۳۶۱).

۳. اهمیت و ضرورت امنیت روانی

یکی از مهم‌ترین و بالاترین نعمت‌های الهی، نعمت امنیت است. این نعمت در دین اسلام، چنان اهمیت و جایگاهی والا و شایسته دارد که خداوند متعال در برخی آیه‌های قرآن کریم، به سبب بخشیدن این نعمت ارزشمند به انسان، بر سر او منت گذاشته است (توبه: ۳۷). پیامبر اکرم ﷺ درباره مقام حافظان نعمت امنیت فرموده است: «یک شب نگرهبانی و حفظ آرامش مردم با قصد قربت، از هزار شب عبادت و هزار روز روزه‌داری برتر است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۳۴۹). همچنین فرموده است: «دو چشم است که آتش جهنم، آن را در نمی‌یابد: چشمی که از خشیت پروردگار بگریزد و چشمی که شب را برای خدا، به نگرهبانی از امنیت مردم، بیدار بماند» (همان).

امام صادق علیه السلام نعمت امنیت را از اساسی‌ترین نیازهای بشر در زندگی دنیوی شمرده و هیچ کس را از آن بی‌نیاز ندانسته است: «سه چیز است که همه مردم بدان محتاج‌اند: اولین آن، امنیت؛ سپس عدالت و رفاه است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۲۳۲). در این

راحتی، خلوت و جلوت تقدیم یکدیگر می‌کنند. انسان‌های دارای امنیت روانی، از مرز تعادل و سلامت روان، فراتر رفته و به تعالی دست می‌یابند و در مناسبات با دیگران، تمایل دارند که به افکار، عملکردها و رفتارهای آنان از دریچه مثبت و الهی بنگرند. تحقق این معنا در روابط خانوادگی، به‌ویژه روابط همسران از اهمیت بسیاری برخوردار است (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۸).

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم: ۲۱)، خداوند متعال سکون و آرامش را هدف ازدواج معرفی می‌کند. اعضای خانواده اعم از زن و شوهر یا فرزندان، باید برای رسیدن همدیگر به حقیقت صحیح توحیدی و کمال نهایی یاور همدیگر باشند.

بهترین مصداق برای بررسی ویژگی‌های اخلاقی خانواده متعالی (امنیت‌ساز) را باید در چگونگی برخورد پیامبر ﷺ با همسرانش عنوان کرد که حتی شامل جنبه‌های رفتاری نیز بود؛ که در دو سوره قرآن به این مورد پرداخته و نهایت سعه صدر پیامبر را مورد اشاره قرار داده است؛ سپس به نکوهش زنانی پرداخته که پیامبر را مورد آزار قرار داده‌اند. به‌طوری‌که حتی پیشنهاد داده که آنها را طلاق بدهد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَرْضُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَرَبَّتْهَا فَتَعَالَيْنَ أُمِّيَعُنَّ وَأَسْرَحُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَإِنْ كُنْتُمْ تَرْضُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَرْحَامَ الْأَخْرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۲۸ و ۲۹)؛ ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید، بیایید تا مهرتان را بدهم و (خوش و) خرم شما را رها کنم و اگر خواستار خدا و فرستاده وی و سرای آخرتید، پس به‌راستی خدا برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی آماده گردانیده است.

با توجه به این آیات، روشن می‌شود که یکی از مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی خانواده متعالی، سکوت علی‌رغم توان انتقام و برخورد کریمانه در برابر اقدامات غیراخلاقی اعضای خانواده است.

۶. خانواده‌های امنیت‌سوز

در مقابل خانواده‌های متعالی، که براساس اندیشه توحیدی بنا شده‌اند و نگرش امنیت‌سازی نسبت به وقایع، دیگران و خدا دارند، برخی از خانواده‌ها، یگانگی پروردگار و ملزومات آن را در اعتقاد، اخلاق و یا رفتار خانواده اصل قرار نداده (داوری، ۱۳۸۹، ص ۱۲) و با دیدی

روایت‌ها نعمت امنیت، به‌دلیل نقش بنیادی و حیاتی‌اش، بر دیگر نعمت‌ها مقدم شده است؛ چون بستر ساز کسب دیگر نعمت‌هاست؛ چنان‌که امیرمؤمنان علیؑ فرموده است: «آسایش و شیرینی مواهب دنیا تنها در پرتو امنیت، لذت‌بخش و گوارا است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۸). در جایی دیگر نیز فرموده است: «هیچ نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۵۴۴).

مکاتب روان‌درمانی، اهداف اصلی خود را زدودن نشانه‌های اضطراب و پدیدآوران احساس امنیت روانی قرار داده‌اند. رویکردهای گوناگون روان‌درمانی با استفاده از روش‌ها و راهبردهای متفاوت، سعی و تلاش لازم برای پیشگیری از ابتلا به اضطراب و افسردگی، مبذول داشته‌اند (جیمز، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸).

۴. امنیت روانی در خانواده

خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ و تاریخ بشر است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی خود، همواره موجب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط و نابودی او بوده است. اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز و امنیت‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد؛ نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می‌داند. هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان، از جمله دستیابی به آرامش برمی‌شمارد (شریفی، ۱۳۷۶، ص ۷۲-۷۴).

بررسی در آیات و سوره قرآنی نشان می‌دهد که در قرآن کریم، از دو نوع خانواده سخن به میان آمده است: نوع اول، خانواده امنیت‌ساز و نوع دوم، خانواده امنیت‌سوز می‌باشند.

۵. خانواده‌های امنیت‌ساز

«خانواده متعالی و امنیت‌ساز» خانواده‌ای است که روابط بین اعضای آن، براساس اندیشه توحیدی بنا نهاده شده باشد (همان، ص ۲). زنان و مردان موحد، آزاده و خداجو، شاکرانه و مخلصانه، به‌خاطر خدا و در طریق نیل به رستگاری، همواره پرمعناترین محبت‌ها را در طول زندگی و در شرایط و موقعیت‌های گوناگون، در جوانی و پیری، خوشی و ناخوشی، سختی و عافیت، تنگدستی و

مینا، ترک واجبات و انجام محرمات موجب ناامنی روانی می‌شود و از این مؤلفه نیز تحت عنوان آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت روانی یا عوامل امنیت‌سوز یاد می‌شود. به‌علاوه با توجه به این نکته که بر مبنای برخی از مکاتب فکری، امنیت، امری ذهنی تلقی می‌شود؛ این مبحث می‌تواند مورد اهتمام بیشتری قرار بگیرد. پیرامون شرح و توضیح این مینا باید گفت که براساس آموزه‌های فقهی، اجرای فرمان‌های الهی حاشیه امنی برای مؤمن، به‌ویژه در خانواده ایجاد می‌کند. این حاشیه از این طریق ایجاد می‌شود که اگر انسان مسلمان، که واجبات الهی را انجام داده و محرمات را ترک کرده باشد، به این رجا رسیده است که بی‌شک وعده الهی صادق است و در امنیت و سلامت در فردوس برین سکنی خواهد گزید. این انسان متعالی به درجه از امنیت روانی می‌رسد که هنگام عروج از دنیا، با قلبی آرام، روحی مطمئن و ضمیری امیدوار به سمت معبود خویش پرواز می‌کند (همدانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸).

در قرآن به عوامل ایجاد امنیت روانی اشاره شده است؛ مانند ولی خدا بودن و پذیرفتن ولایت الهی؛ زیرا اولیای الهی خوف و حزن ندارند؛ یعنی نه نسبت به گذشته اندوهگین و نه نسبت به آینده ترس دارند. فقدان این دو امر در زندگی مدرن باعث دو بیماری افسردگی و اضطراب شده است. زندگی در گذشته، عامل افسردگی، و ترس از آینده عامل اضطراب است؛ اما در سبک زندگی اسلامی، ایمان به خدا و عمل صالح موجب فقدان ترس و حزن و نگرانی است. ایمان به خدا و استقامت در راه او موجب نزول ملائکه و بشارت به عدم ترس و حزن است. ایمان و عمل صالح موجب رفع خوف و حزن؛ تقوا و عمل صالح موجب رفع حزن و خوف است. ایمان به خدا، رسول، قرآن و عمل صالح و تبعیت از حق، سبب اصلاح بال (خیال، ذهن، روان، اندام‌های شعوری) می‌گردد و آرامش روانی را به‌دنبال دارد. در نهایت می‌توان گفت که نتیجه انجام واجبات و ترک محرمات، نزول سکینه و آرامش بر قلوب مؤمنان است که این امر از عنایات خداوند در جهت تولید امنیت روانی است (اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۶۵).

در یک نگرش کلی می‌توان گفت که هر آنچه انسان را از حالت عادی خارج کرده و بر قوه عاقله تأثیر منفی داشته باشد، مورد نهی شارع قرار گرفته است، به‌عنوان عامل امنیت‌سوز معرفی می‌شود. ازجمله این عوامل می‌توان به مواردی ازجمله هرآنچه باعث زوال عقل می‌شود (همانند مسکرات، موسیقی)، یأس از رحمت خدا،

امنیت‌سوز نسبت به وقایع، دیگران و خدا می‌نگرند. نگاهی به خانواده‌های غیرمتعالی بیان شده در قرآن، بیانگر آن است که همان‌طوری که همراهی در امور معنوی و یکتاشناختی در رسیدن به معنویت تأثیر دارد، همراهی خانواده‌ها در گناه نیز موجب خذلان و عذاب الهی می‌گردد. این‌گونه خانواده‌ها در قرآن، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. البته نکوهش این خانواده‌ها در قرآن، در دو بخش کلی و مصداقی انجام گرفته است؛ بدین‌صورت که گاهی به‌صورت کلی خانواده‌هایی را به‌دلیل مشخصی مورد نکوهش قرار داده است، در برخی موارد به بیان مصداق پرداخته است. نکوهش کلی خانواده‌ها در قرآن، گاهی زمانی است که فردی بدون دلیل و کورکورانه از آباء و اجدادش تقلید کند که چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند فقط از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم. این افراد، به‌دلیل اینکه نسبت به خدا و پیامبرانش بدبین هستند، به پیروی کورکورانه از پدران خود برمی‌خیزند. از این‌رو، نه تنها در مسیر تکامل گام بر نمی‌دارند؛ بلکه هر لحظه از مسیر هدایت دورتر می‌شوند. قرآن به نکوهش این رفتار آنها پرداخته، می‌فرماید: آیا هرچند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند؛ باز هم درخور پیروی هستند؟ «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْكَ كَانِ آبَاؤُهُمْ الْيَعْقُونَ شَيْنًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره: ۱۷۰).

گاهی در قرآن علاوه بر نکوهش کلی، مصداقی از خانواده‌های غیرمتعالی نیز بیان شده است. ازجمله خانواده‌هایی که به علت همراهی هم‌دیگر در آتش دوزخ خواهند سوخت، *بوله‌ب* و همسرش است که به آزار و اذیت رسول خدا پرداختند. تا جایی این آزار پیش رفت که سوره «مسد» در مورد آنها نازل شد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۴) و به این زن و شوهر وعده آتش داد: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ سَيَصَلَّىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ» (مسد: ۱-۵).

۷. سازکار عوامل امنیت‌ساز و امنیت‌سوز در عرصه امنیت روانی خانواده

بر مبنای آموزه‌های فقهی، انجام واجبات و ترک محرمات است که موجب امنیت روح و روان آدمی می‌گردد و از این مؤلفه تحت عنوان سازوکار تأمین امنیت روانی یا عوامل امنیت‌ساز یاد می‌شود. بر همین

۹. یاد خدا در برابر دوری از یاد خدا

بر مبنای آموزه‌های قرآنی، رویگردانی از یاد خدا باعث دشواری زندگی می‌شود: «هرکس از یاد من رویگردان شود، زندگی سختی خواهد داشت» (طه: ۱۲۴). اصولاً سختی زندگی بیشتر به خاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است. عدم اطمینان به آینده و ترس از نابود شدن امکانات موجود، وابستگی بیش از حد به جهان ماده از دیگر عوامل امنیت‌سوز است که ناشی از فاصله گرفتن از یاد خداست. این در حالی است که انسانی که به خدا ایمان دارد و دل به ذات پاک او بسته، از همه این نگرانی‌ها در امان است. در جوامع رویگردان از خدا، مسئله از این وحشتناک‌تر است. جوامعی که علی‌رغم پیشرفت شگفت‌انگیز صنعت و فراهم بودن همه وسایل زندگی در اضطراب و نگرانی شدید بسر می‌برند و در تنگنای روانی عجیبی گرفتارند که خود را محبوس و زندانی می‌بینند (در نگاه مادی‌گرایانه هابز، وقتی انسان، گرگ انسان معرفی می‌شود، طبیعی است که در این جامعه)، همه از هم می‌ترسند؛ هیچ‌کس به دیگری اعتماد نمی‌کند، رابطه‌ها همه بر محور منافع شخصی است؛ بار تسلیحات سنگین به خاطر ترس از جنگ، بیشترین امکانات اقتصادی آنها را در کام خود فرو برده و پشتشان زیر این بار سنگین خم شده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۲۹). در مقابل، براساس رهنمودهای قرآنی، یاد خداوند، امنیت و آرامش روانی انسان را فراهم می‌کند: «آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد: ۲۸). یاد خداوند متعال انسان را از پیروی از امیال و تکانه‌هایی بازمی‌دارد که نرسیدن به آن امیال و ناکامی در بهره‌گیری از آنها، سبب سختی و نگرانی او شود.

۱۰. اعتماد و خوش‌بینی در برابر بی‌اعتمادی و سوءظن

یکی از عوامل تأمین‌کننده امنیت روانی خانواده، اعتماد متقابل در روابط اجتماعی است و در مقابل، یکی از عوامل برهم‌زننده امنیت روانی، بی‌اعتمادی است. انسان، موجودی اجتماعی است و به‌تنهایی توان برآوردن همه نیازهای مادی و معنوی خویش را ندارد. بنابراین باید با دیگران تعامل کند و با استفاده از تعامل‌های اجتماعی و روابط میان فردی، نیازهای خود را برآورد. برای ایجاد، استحکام و دوام در پیوند اجتماعی، اعتماد متقابل لازم است. هرگونه حرکت یا عاملی

درگوشی صحبت کردن (که موجب سلب امنیت روانی حضار می‌گردد)، سوءسابقه امنیتی، تهمت و بهتان، بخل و حسادت، تمسخر، نام زشت نهادن، ظن و گمان سوء، تجسس از امور دیگران، غیبت و هرآنچه از گناهان به‌شمار می‌آید، اشاره کرد. با توجه به گستردگی موضوع، شرح کامل موارد نامبرده، از حوصله پژوهش حاضر خارج است. با این بیان، در ادامه مهم‌ترین عوامل امنیت‌ساز و امنیت‌سوز روانی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۸. ایمان به خدا در برابر کفر و شرک

یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ناامنی روانی خانواده از دیدگاه آیه‌های قرآن و روایات، از خودبیگانگی و در نتیجه، بیگانگی انسان از خداست؛ چراکه نگرانی، ناشی از تضاد درونی انسان است و تضاد درونی به ناامنی روانی منجر می‌شود. بر مبنای آموزه‌های قرآنی انسان به‌صورت فطری خداجوست (روم: ۳۰)؛ با این توضیح، فردی که برخلاف گرایش‌های فطری‌اش رفتار می‌کند، دچار تضاد درونی می‌شود و در نتیجه، امنیت و آرامش روانی‌اش مختل می‌شود. به بیان دیگر عوامل ایجادکننده اضطراب به‌عنوان عوامل امنیت‌سوز در این عرصه را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: نخست، تضاد بین خواسته‌های نامحدود نفس و محدود بودن امکانات؛ دوم، تضاد بین خواسته‌های لذت‌جویانه نفس و خواسته‌های تکامل‌گرایانه فطرت و در نهایت، دست نیافتن به هدف‌ها یا گم کردن آنها (حسینی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷).

انسان مؤمنی که مطابق گرایش‌های فطری خویش عمل می‌کند و به خداوند متعال ایمان دارد و به او توکل می‌کند، از امنیت روانی در دسته اول و دوم این تقسیم‌بندی برخوردار است. بنابراین تنها ممکن است عوامل دسته سوم بروز اضطراب در وجود او شود. نیرومندترین عاملی که می‌تواند هرگونه اضطراب را به آرامش و اطمینان تبدیل کند، نگرش توحیدی و ایمان به پروردگار است. حتی دانش روان‌شناسی هم توان کاهش این‌گونه تنش‌های درونی را ندارد و این تنها قدرت و نگرش ایمانی به خداوند است که می‌تواند روح انسان را به آرامش برساند. امام صادق علیه السلام پیرامون این مهم بیان می‌دارند که: «هیچ مؤمنی نیست، مگر اینکه خدا ایمان او را انیس و هم‌نشین برای او قرار داده که با آن به آرامش می‌رسد؛ به‌طوری که اگر در قله هم تنها باشد، وحشتی ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۴ ص ۱۴۹).

تشکیل می‌دهد. جدا ماندن و تنهایی، مخالف فطرت انسانی است. انسان موجودی اجتماعی است و بدون داشتن همدم و هم‌راز، و معاشرت با دیگران به لحاظ روانی، احساس ناامنی می‌کند و دچار آشفتگی خاطر می‌شود و بدون همکاری با دیگران نمی‌تواند همه نیازهای مادی و معنوی خویش را تأمین کند. در هرم پیشنهادی مازلو، یکی از نیازها، نیاز به تعلق، عشق و احترام است. وقتی نیازهای فیزیولوژیکی و ایمنی فرد برآورده شود، نیاز به تعلق داشتن و پیوندجویی آشکار می‌شود. این نیاز از راه‌های مختلف، مانند روابط دوستانه با دیگران و روابط صمیمی با دوست، نامزد و همسر برآورده می‌شود (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۳۶۵).

یکی از دردناک‌ترین تجربه‌های بشر، گذراندن تمام اوقات در عالم تنهایی است. بدین جهت برای برخی جرم‌ها و برخی افراد، زندان انفرادی را در نظر می‌گیرند، که شدیدترین نوع کیفر در زندان است. فردی که در حبس انفرادی به سر می‌برد، حتی صدای ضربان قلبش که در محل‌های دیگر، مورد توجه او نبود، در گوشش همچون صدای طبل بلند آوازه است. در عالم تنهایی، کوچک شمردن خود مهم است. این گونه دریافت، احساس ناامنی و خشونت را در جان فرد نهادینه می‌کند و بیش از پیش فرد را به سمت انزوا سوق می‌دهد و در دام افسردگی گرفتار می‌کند. دوستان خوب، انسان را از تنهایی نجات می‌دهند و موجبات امنیت روانی وی را فراهم می‌کنند. وقتی کنار دوستان هستیم، زمینه ابراز عواطفی همچون شادی، سرزندگی و اندوه فراهم می‌شود؛ اما هنگامی که تنها هستیم، حیطة ابراز عواطف‌مان محدودتر می‌شود (فروم، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱۶).

براساس آموزه‌های فقهی و آیات الهی نیز، محوری‌ترین دلیل ازدواج، سکینه قلبی و یا همان امنیت روانی است که در نهایت به مودت و رحمت منتهی می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نور: ۲۱). بنابراین هنگامی که مودت و رحمت به عنوان عوامل امنیت‌ساز در جامعه مطرح می‌شود، برای بازتولید بیشتر آن، باید میزان ازدواج و تشکیل خانواده در جامعه افزایش یابد. لذا هر قدر خانواده بیشتر باشد، مودت و رحمت بیشتر است و هر چه خانواده کمتر باشد مودت و رحمت کمتر است. هنگامی که دو فرد به هم علاقه‌مند می‌شوند و زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، بین آنها مودت و رحمت شکل می‌گیرد (هرچند که ممکن است در مواردی دچار اصطکاک شوند) و هنگامی که صاحب

که اعتماد اجتماعی را خدشه‌دار کند، عامل بحران و مخل امنیت روانی و اجتماعی به‌شمار می‌رود (گروسی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۲). با نگاهی به برخی عوامل سلب‌کننده آرامش روانی از دیدگاه قرآن کریم، درمی‌یابیم چگونه در این کتاب آسمانی، میان امنیت روانی و اعتماد متقابل ارتباطی تنگاتنگ ایجاد شده است. یکی از مسائلی که اعتماد اجتماعی و بین فردی را خدشه‌دار می‌کند، «افشای اطلاعاتی» است که از دیگران در اختیار داریم. افشای این گونه اطلاعات و اسرار، زمینه‌ساز بحران بی‌اعتمادی اجتماعی به‌شمار می‌رود و از نگاه اسلام، هدف از حرمت غیبت، تجسس، جلوگیری از افشای اسرا و پاسبانی از فضای اعتماد اجتماعی و محافظت از حریم خصوصی و امنیت روانی افراد است.

سوءظن به دیگران، یکی از ردایب اخلاقی است که باعث نگرانی و ناامنی فرد می‌شود. فردی که به دیگران بدبین است، همواره از ناحیه دیگران احساس تهدید و خطر می‌کند، همیشه در هراس به سر می‌برد، و پیوسته احساس ناامنی و نگرانی می‌کند که مبدا دیگران به او آسیبی برسانند. امیرمؤمنان علیؑ فرموده است: «هرکس گمان خود را نیکو نگرداند، از هرکسی می‌ترسد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۴). در مقابل، خوش‌بینی و حسن ظن به دیگران باعث پدید آمدن امنیت روانی در فرد می‌شود. امیرمؤمنانؑ فرموده است: «حسن ظن مایه آرامش قلب و سلامت دین است» (همان، ص ۲۵۳). کسی که به دیگران خوش‌بین است همیشه به ویژگی‌ها، اندیشه‌ها، گفتار و رفتار مثبت آنها توجه می‌کند؛ از ناحیه دیگران احساس خطر و تهدید نمی‌کند؛ قلبش آرام است و در نهایت دینش سالم می‌ماند. اما فرد بدبین به پیروی از اندیشه‌ها و نگرش بدبینانه‌اش به دیگران درباره آنها تجسس می‌کند تا به اسرار دیگران پی برد و در جاهای دیگر، این اسرار را برای دیگران بازگو می‌کند و مرتکب یکی دیگر از عوامل امنیت‌سوز یعنی غیبت می‌شود. فرد بدبین، گاه رفتار و گفتاری خلاف واقع را به دیگران نسبت می‌دهد؛ یعنی به آنها تهمت می‌زند. این گونه رفتار سلامت دین و دنیای افراد بدبین را به‌خطر می‌اندازد و همیشه احساس ناامنی روانی می‌کنند.

۱۱. زندگی اجتماعی در برابر فردگرایی

انسان تنها به دنیا می‌آید و تنها از این جهان می‌رود؛ اما در این میان بزرگ‌ترین فصل زندگی او را روابط اجتماعی و تعامل‌های میان فردی

به حساب می‌آید و از پیشرفته‌ترین تمدن‌های اروپا محسوب می‌شد - برای مسلمانان اتفاق افتاد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۶، ص ۷۴).

بنابراین دوری از شهوت‌رانی، لهو و لعب از جمله شاخصه‌های امنیت‌ساز روانی است. همان‌گونه که بیان شد هرآنچه از انسان مؤمن صادر شود، امنیت‌ساز است؛ لذا براساس آموزه‌های دینی، رستگاری ابدی از آن مؤمنین است؛ «فَذَاقُوا الْعَذَابَ الَّذِي لَكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (مؤمنون: ۱) و از جمله صفاتی که این رستگاری و امنیت ابدی را برای مؤمنین فراهم کرده، دوری از لغو؛ «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون: ۳) و پاکدامنی است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون: ۵). بنابراین دوری از هر آنچه جایگاه مؤمنان را سبک می‌شمارد، به‌عنوان حاشیه امنیت‌ساز روانی در نظر گرفته می‌شود.

اینجا نقطه تقابل امنیت روانی خانواده در فقه و روان‌شناسی است. بیشتر روان‌شناسان، رویکرد مادی و دنیوی به انسان و زندگی دارند و محور پژوهش‌ها و مطالعاتشان جنبه‌های مادی، دنیوی، زیستی و اجتماعی انسان است، از این‌رو، جنبه‌های معنوی انسان غفلت کرده و در روش‌های گوناگون روان‌درمانی نیز به جنبه معنوی بیمار اهمیت نمی‌دهند (نجاتی، ۱۳۸۷، ص ۹۷). بنابراین ملاک ارزیابی روان‌شناسان در امنیت روانی فرد، بیشتر روی محورهای دنیوی می‌چرخد که این موضوع در برابر نگرش فقهی و اسلامی قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

امنیت روانی نقطه چالشی در زندگی انسان مدرن است که هم در دانش فقه و هم در دانش روان‌شناسی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. سبک زندگی مدرن سبب شده تا آدمی مدل و الگوی رفتاری را انتخاب کند که در نتیجه این فرایند، آرامش روانی خود را به مخاطره می‌اندازد. آموزه‌های فقهی راهکار مشخصی برای آرام شدن قلب و ذهن آدمی معرفی می‌کند. براین‌اساس، انسانی که فطرتاً خداجوست، اگر واجبات الهی را انجام دهد و از محرمت‌های دوری‌گزیند، به صفت مؤمن ملقب می‌شود و انسان مؤمن نه تنها خود از امنیت روانی برخوردار است بلکه در عرصه اجتماعی نیز به‌عنوان عامل امنیت‌ساز مطرح می‌شود. از سوی دیگر، انسانی که واجبات الهی را ترک کرده و به محرمت‌ها آلوده شده است، درواقع به مقابله با فطرت خود برخاسته است. این انسان حتی اگر در آسایش مادی زندگی کند، درنهایت نمی‌تواند به آرامش روحی کامل دست پیدا

فرزند می‌شوند، میزان تولید مودت و رحمت در جامعه افزایش پیدا می‌کند. از این‌روست که در آموزه‌های فقهی و اخلاقی نگاه محبت‌آمیز به همسر، نگاه محبت‌آمیز فرزند به والدینش، به‌عنوان یک عمل بسیار پسندیده و امنیت‌ساز روانی مطرح می‌شود. از سوی دیگر عمده جایی که ناراحتی خداوند را به همراه دارد، جایی است که فرزندی به والدینش «اف» بگوید. به‌علاوه «طلاق»، مبعوض‌ترین حلال در نزد خدا شمرده شده است. هنگامی که از بعد روان‌شناسی نیز به این موضوع توجه شود، خروجی واحدی پیدا می‌کند؛ چراکه بر مبنای آزمایش‌های روان‌شناسی، افسردگی ناشی از طلاق در رتبه بعدی از افسردگی ناشی از مرگ قرار دارد. بنابراین زندگی اجتماعی به‌عنوان عامل امنیت‌ساز روانی و فردگرایی و دوری از زندگی اجتماعی به‌عنوان عامل امنیت‌سوز روانی مطرح می‌شود.

۱۲. آخرت‌محوری در برابر دنیامحوری

علاقه به دنیا، و دنیامحوری، یکی دیگر از عوامل امنیت‌سوز و ناامنی روانی است. حب در کنار عملی که شیطان انجام می‌دهد ممانعی بزرگ برای سعادت انسان تلقی می‌شود. در آیات متعدد قرآن کریم، کارکرد شیطان به‌عنوان دشمن قسم‌خورده انسان، این است که اعمال بد انسان و امور مادی زودگذر را زیبا و زینتی نشان می‌دهد. به بیان امام خمینی علیه السلام حب دنیا انسان را به محرمت‌های الهیه وادار می‌کند و از واجبات شرعیه منصرف می‌کند. ترک واجبات مالیه چون زکات و خمس و حج و امثال آن از حرص به جمع مال است، و ترک واجبات بدنییه چون صوم و صلاة و امثال آن از تن‌پروری است. بالجملة، این ام‌الأمراض، انسان را به انواع بلیات مبتلا می‌کند و کار انسان را به هلاکت ابدی می‌کشاند (موسوی امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۶).

از جمله آسیب‌هایی که از منکر فقهی، همچون شهوت‌رانی، لهو و لعب صادر می‌شود؛ مشغول کردن انسان به حیات دنیوی و بازداری او از نگاه به سعادت اخروی است. به بیان شهید مطهری، تاریخ بشر نشان می‌دهد که هرگاه قدرت‌های حاکم می‌خواهند جامعه‌ای را تحت سلطه خود قرار دهند و آن را استثمار کنند، تلاش می‌کنند تا روح جامعه را فاسد کنند و برای این منظور تسهیلات شهوت‌رانی را برای مردم زیاد می‌کنند و آنها را به شهوت‌رانی ترغیب می‌کنند. نمونه عبرت‌انگیزی از این شیوه کثیف، فاجعه‌ای بود که در اسپانیای مسلمان - که یکی از سرچشمه‌های رنسانس

کند؛ چراکه تنها یک بعد از نیازهای انسان، یعنی نیاز مادی را تأمین کرده است و بعد دیگر آن، یعنی نیازهای معنوی را بی‌پاسخ گذاشته است. در موارد بررسی شده، دانش روان‌شناسی نیز به شکل کلی، در عرصه‌های امنیت‌ساز و امنیت‌سوز، رویکردی مشابه با فقه داشت. بجز در برخی موارد که گاه ناکارآمد بود؛ همچون ایجاد سکینه و اطمینان برای قلب مضطربی که از باور به خدا خالی است و گاه در تضاد بود؛ همچون موضوع دنیاگرایی و حب دنیا که این موضوع در فقه به‌عنوان عامل امنیت‌سوز و در روان‌شناسی به‌عنوان انگیزه‌محوری مطرح می‌شد.

.....منابع

- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۶، «امنیت و ابعاد آن در قرآن»، *مطالعات اسلامی*، ش ۷۵، ص ۱۳-۲۹.
- اسلامی، علیرضا، ۱۳۸۵، «امنیت در قرآن»، *علوم سیاسی*، سال نهم، ش ۳۳، ص ۵۹-۸۰.
- برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۹، «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، *دانش سیاسی*، ش ۱۲، ص ۴۳-۷۲.
- پناهی، علی احمد، ۱۳۹۳، *سبک زندگی: همسررداری از منظر دین با رویکردی روان‌شناختی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *عمر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جاودان، موسی، ۱۳۹۴، «نقش جهت‌گیری مذهبی، سلامت روان و جو عاطفی خانواده در شخصیت فکری منقطع»، *اولین همایش ملی اسلام و سلامت روان*، بندرعباس، جهاد دانشگاهی هرمزگان.
- جیمز، ویلیام، ۱۳۷۲، *دین و روان*، ترجمه مهدی قائمی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- حسینی‌زاده، سیدمهدی، ۱۳۸۲، *جوان و آرامش روان*، به کوشش علی‌نقی فقیهی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سالار دیلمی، حمزه‌بن عبدالعزیز، ۱۹۹۴م، *المراسم العلویه*، بیروت، دارالحق.
- شاملو، سعید، ۱۳۷۸، *بهداشت روانی*، چ سیزدهم، تهران، رشد.
- شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۶، *خانواده متعادل*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- شریعتی، روح‌الله، ۱۳۸۰، *اندیشه سیاسی محقق حلی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- شولتر، دوآن، ۱۳۸۳، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، چ چهارم، تهران، ارسباران.
- صمدی ارزگانی، قنبرعلی، ۱۳۸۷، «امنیت مهدوی، الگوی جامعه امن»، *مشرق موعود*، سال دوم، ش ۶، ص ۹۴-۷۷.
- فروم، آلن، ۱۳۷۸، *درون‌های ناآرام*، ترجمه علی زنجیره‌ای، تهران، اوحدی.
- قمی، علی‌بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر قمی*، تحقیق زهرا آشتیان، تهران، خانه کتاب.

کریمی، یوسف، ۱۳۸۳، *روان‌شناسی شخصیت*، چ نهم، تهران، ویرایش کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *اصول کافی*، قم، دار الحدیث.

گروسی، سعیده و دیگران، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت: مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت»، *دانش انتظامی*، سال نهم، ش ۲، ص ۳۲-۴۲.

لکزایی، نجف، ۱۳۹۳، «مطالعات فقهی امنیت»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال نهم، ش ۲، ص ۱۸۱-۲۰۶.

لیثی واسطی، علی‌بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، دارالفکر.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۵، *میزان الحکمه*، قم، جامعه مدرسین.

مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *مجموعه آثار*، چ نوزدهم، تهران، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مکی عاملی، محمدبن (شهید اول)، بی‌تا، *القواعد و الفوائد*، قم، مکتبه المفید.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۷، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نبوی، سیدعبدالحسین و دیگران، ۱۳۸۷، «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی»، *دانش انتظامی*، سال دهم، ش ۲، ص ۱۰-۲۳.

نجاتی، محمدعثمان، ۱۳۸۷، *حدیث و روان‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

هریس، راس، ۱۳۹۴، *در جست‌وجوی ثناده*، مقدمه استیون هیز، ترجمه مریم فاتحی‌زاده و شیرین عظیمی‌فر، تهران، دانژه.

همدانی، محمدعلی، ۱۳۹۳، *نقش آموزه‌های دینی در تدوین استراتژی امنیتی و نظامی یا تأکید بر جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقرالعلوم.